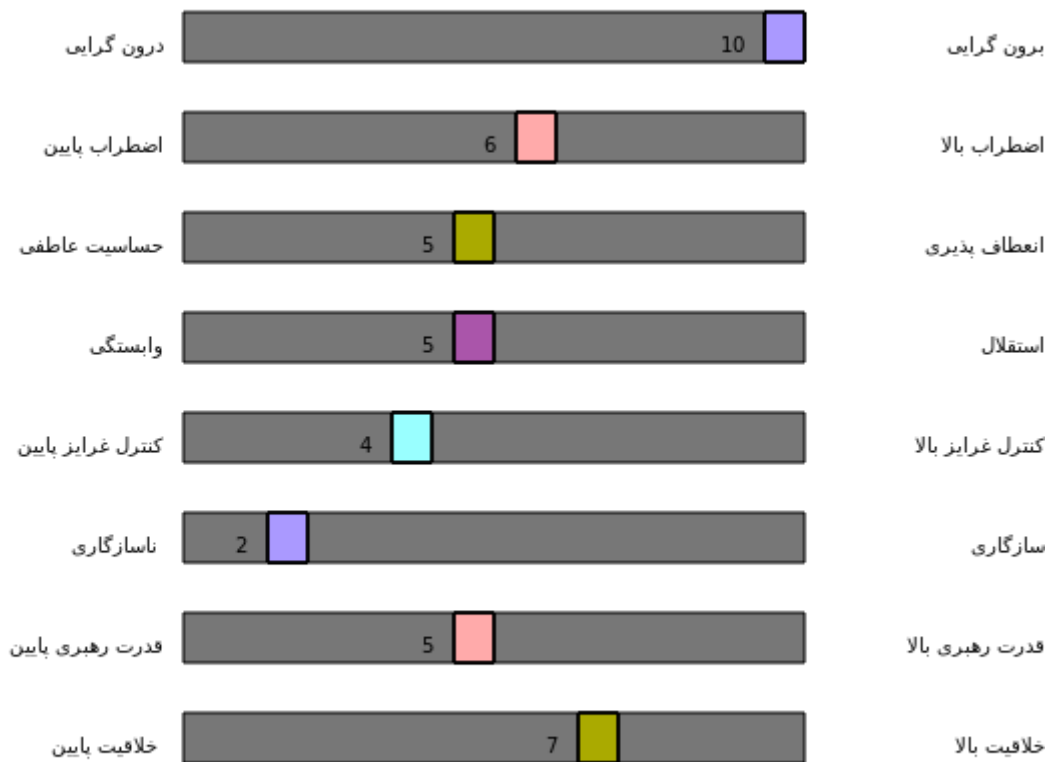


## اجرای آنلاین این پرسشنامه در آدرس: <http://brainkava.ir>



عوامل مرتبه دوم آزمون شخصیتی کتل



نکات مهم و مقادیر خارج از محدوده متوسط		
روابط اجتماعی: علاقمند به جامعه انسانی - با خواسته های دنیای بیرونی با شدت بیشتری پاسخ می دهند. - در رفتارشان هیجان خود را به آسانی ابراز می دارند. - هنگام درگیری با مشکلات، دیگران را به کمک می طلبند. رغبت ها و توانایی ها: نسبت به سایر اشخاص، بیشتر به اصول انتزاعی رغبت نشان می دهند. - توانایی سازمان دهی آنها بسیار خوب است و از طرفی به سختی می توانند یک عامل را از مجموعه کل مجزا سازند. - نتایج دوران مدرسه آنان بهتر از دوران دانشگاه است.	8	A
افراد با هوش : هم در افراد "باهوش" و هم در افراد "کم هوش" معمولا از زندگی گروهی دوری می جویند. رغبت ها و توانایی ها: - رگه های خلقی را با شدت بیشتری در پاسخنامه ارایه می دهند و بر دقت عمل، پشتکار و جدیت خود تاکید می کنند. - بررسی های به دست آمده در گروه های با تماس مستقیم، نشان می دهد که رهبران از افراد باهوش بالای میانگین اند، اما نه آن قدر بالا که موجب شکاف بین پیروان و رهبر گردد.	10	B

روابط اجتماعی: - H+, جامعه طلبی است گروه جو، که به دنبال دستیابی به هیجان هر چه بیشتر در روابط خویش با محیط است. - میل دارد خود را در رأس دیگران قرار دهد و واجد روحیه ای است ماجراجویانه که با حساسیت پایین به تهدید و خطر همراه است. رغبت ها و توانایی ها: - این عامل در پیش بینی شغلی، عامل مهمی قلمداد می شود. - فروشنده ها و خلبان ها بیشتر از H+ هستند. - رغبت های هنری و احساسی در بیشتر افرادی که به این قطب گرایش دارند، دیده می شود.	9	H
روابط اجتماعی: - افرادی که به قطب زودباور گرایش دارند، با علاقه مندی به جامعه و دیگران مشخص می شوند. این افراد شاد و زود جوش اند و در برابر موقعیت ها سازش پذیرند. رغبت ها و توانایی ها: - گرایش به آرمان نگری در این افراد وجود دارد.	2	L
روابط اجتماعی: - فردی که به قطب خیال پردازی گرایش دارد، شخصی است که راه خود را دنبال می کند، بدون آنکه به قرارداد و خواسته های زندگی جمعی، توجهی داشته باشد و در عین حال بیانگر توقعات خویش، نسبت به دیگران است. رغبت ها و توانایی ها: - پیچیدگی در افکار خویشتن و عدم تمایل به تغییر عقاید، در پاسخ بی رحم، عدم احساس مسئولیت در رابطه با چیزهای عملی و دنبال کاری که احتمالاً از نظر خویش بسیار درست تلقی می گردد.	8	M
روابط اجتماعی: - افراد با گرایش به قطب بی ظرافتی، واجد علاقمندی به دیگران بوده و در روابط شان آسان گیر اند. - رغبت ها و توانایی ها: افرادی کم مهارت و فاقد ذوق معین.	3	N
فردی که +O است، با جدال های درونی شده ای روبروست که او را در معرض تجسمات و برانگیختگی هایی قرار می دهد که قابل کنترل و مهار نمی باشند. فرد در برابر واکنش به این جدال های درونی شده، به نقادی درونی خویش می پندارد و در ارزیابی هایش همواره با کم ارزشی (احساس کهنتری) مواجه می گردد (بأس ها و پشیمانی ها). اضطراب شناور، افسردگی اضطرابی، هراس و ضعف روانی از جمله اختلالاتی می باشند، که در گرایش افراطی به این قطب باز یافته شده است. گروه روان آزرده ها و بزهکاران در این عامل گرایش معناداری به قطب مثبت نشان می دهند	8	O

عامل (A): "مردم آمیزی- مردم گریزی" یا "ادواری خوبی- گسستگی خوبی" .  
عامل (B) "با هوش - کم هوش" یا "هوش عمومی - نارسایی عقلی": هوش به عنوان عاملی در قلمرو شخصیت قرار دارد و آنچه در این پرسشنامه نمره هوش را به دست می دهد، کنش هوش با توجه به نوع سازمان یافتگی شخصیت است.  
عامل (C): پایداری هیجانی یا نیرومندی "من" - نورو گرای عمومی یا ناپایداری هیجانی: (این عامل یکی از مهمترین رگه ها در تعیین توحید یافتگی پویای شخصیت

می باشد، عاملی که روان تحلیل گران از آن با مفهوم نیرومندی یا ضعف " من " یاد می کنند). عامل(E): سلطه، استیلا - اطاعت، تسلیم. عامل(F): سرزندگی- دل مردگی: (این عامل یکی از مولفه های درونگرایی - برونگرایی است که یونگ آن را به کار گرفته است).

عامل(G): خلق استوار- خلق نارس و وابسته: (این عامل با مفهوم «فرامن» در نظام روان تحلیل گری مطابقت دارد و هدایت «من» و سرکوب «بن» را نشان می دهد. ابراز پشتکار مشخص کننده ی این عامل می باشد). عامل (H): ادواری خوبی متهورانه- گسیخته خوبی اساسی، در خودمانی (جسور- ترسو). عامل(I): حساسیت هیجانی - زمختی رشد یافتگی (حساس - کله شق): این عامل با تمایز « ویلیام جمیز» بین «حساس - غیرحساس» ارتباط نزدیک دارد. «آپسنک» نیز این عامل را تحت الگوی «ملايم - سخت» ارایه داده است. عامل(L) : گسیخته گویی پارانویاگونه - در دسترس بودن اعتمادآمیز (شکاک - زودباور): (این عامل نسبت به دو عامل A و H مستقل می باشد).

عامل (M): خیال پردازی - اهل عمل. عامل(N) : ظرافت کاری - سادگی بی ظرافت: (این عامل به وضوح در بررسی های زنان مشاهده شده است، اما چون در آزمون عینی و در پرسشنامه هایی که به گروه مردان ارایه شده است، نیز مشاهده گردیده، می توان گفت که عامل عمومی مهمی در بررسی شخصیت است، گرچه قسمت وسیعی از شخصیت را در بر نمی گیرد). عامل(O) : بی اعتمادی اضطراب آمیز (دلهره) - اعتماد توام با آرامش: این عامل یکی از مولفه های مهم عامل درجه دوم اضطراب می باشد.

عامل Q1:محافظة کاری به این عامل از طریق ارزیابی های شخصیت دست نیافته اند. بلکه این عامل به وضوح در بازخوردها پدیدار می شود. مع ذلک دارای نقشی آشکار در شخصیت کلی است. فرد بنیادگرا خود را بیشتر درون نگر، جلوه می دهد، بیشتر به رویدادهای اساسی علاقمند است و به طور کلی بیشتر به امور عقلی، کلی است. از تست های عینی موقعیت، چنین بر می آید که اشخاصی که دارای نمره مثبت در این عامل هستند (Q1+) افراد مطلع تری هستند، کمتر در بند قیود اخلاقی اند، و به طور کلی بیشتر گرایش به تجربه زندگی دارند. تصاویر اشخاص بنیاد گرا و محافظه کار از خلال بازخوردهای واقعی آنان به وضوح در خود پرسشنامه ترسیم شده اند. این عامل و سه عامل باقیمانده دیگر با یک حرف (Q) مشخص شده اند، زیرا هنوز موجودیت آنها را در سلسله عواملی که می تواند زمینه ارزیابی ها را فراهم سازند، ثابت نکرده اند.

عامل(Q2): خودکفایی - ناتوانی در اخذ سیستم( مسلط بر خود - متکی به دیگران): همان طور که از پاسخ های این پرسشنامه بر می آید، این عامل در حد ارزشیابی خود نشان می دهد که فرد مصمم، عادت دارد، خود را به تنهایی رهبری کند، بدون آنکه لزوما در روابط خود با دیگران سلطه جو باشد. شخصی که دارای عامل Q2- است، ترجیح می دهد با دیگران کار کند، در مصاحبت با دیگران تصمیم بگیرد، دوست دارد که ارزش او را بدانند و او را مورد تایید قرار دهند. او تابع

مقررات و آداب و رسوم است و از مد پیروی می کند. ارزش پیشگویی این عامل از خلال همبستگی آن با مشاغل محرز خواهد شد.

عامل (Q3): مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو این عامل قرابت هایی با عامل G و C دارد، مع ذلک در سنجش ها به وضوح، پایدار نمی شود و هنوز به عنوان عاملی قلمداد و طبقه بندی می شود که حاصل پاسخ هایی است که افراد دارای هوش پایین به پرسشنامه داده اند. براساس پاسخ های این پرسشنامه، افرادی که از لحاظ عامل Q3 غنی هستند میتوانند هیجان ها و رفتار خود را کاملا مهار کنند، تمایل به سرپوشی دارند، با هوش و دارای دقت عمل اند، ولی در عین حال لجباز نیز هستند. با آنکه این عامل در سنجش های رفتار پدیدار نشده است، مع ذلک مشاهده کرده اند که وقتی افرادی در این عامل غنی هستند، جمع می شوند، کارآمدی عمومی و عینیت گروه، آشکارا در مقایسه با زمانی که Q3 در گروه ضعیفی است، افزایش می یابد. دلایلی وجود دارد که می توان چنین فکر کرد که افرادی که در این عامل قوی هستند، تمایلی به ریاضیات داشته باشند.

عامل (Q4): تنش عصبی (مضطرب - آرام) در نخستین بررسی های این پرسشنامه با این عامل مواجه شده اند و آن را "عصبانیت"، "اضطراب"، "ناپایداری عصبی" و "بی خوابی توان زودده" نامیدند. تصویر عمومی فرد در این عامل نشانگر کسی است که تنیده، تهییج شده، در پیچ و تاب، تحریک پذیر و نا شکیبا است. این نوع آزمودنی حتی بیش از حد ظرفیت خود کار کرده، نمی تواند غیر فعال باقی بماند. این جنبه شبیه توصیفی است که معمولا شخص فزون تنیده را مشخص می کند. سنجش ها نوعی همبستگی بین این عامل و توانایی و علاقه نسبت به جنس مخالف را نشان می دهند، ممکن است بتوان آن را به عنوان عامل سر کوفتگی جنسی، قلمداد کرد.

این پرسشنامه حاصل سالها تحقیقات کتل و همکارانش بوده و به عنوان یکی از مجموعه ابزارهای چندبعدی بیان شخصیت و به عنوان یک مقیاس خود گزارش دهی به کار میرود. آر. بی. کتل با بهره گیری از فهرست ویژگی های شخصیت که آلپورت تدوین کرده بود، این آزمون را طی بررسی های طولانی و گوناگون ساخته است. نسخه فارسی این آزمون در پژوهش های چندی از نظر پایایی و روایی مورد سنجش قرار گرفته و نتایج آنها قابل قبول گزارش گردیده است. آزمون شخصیت شانزده عاملی کتل به هیچ وجه به منظور نشان دادن "محسنات" یا "معایب" نیست. چه؛ این مفاهیم نسبی و مربوط به قلمرو اخلاقند. به عبارت دیگر صحبت از پاسخ "صحیح" یا "غلط" نیست، زیرا ماهیت هر شخص متفاوت از دیگران است. آن چه در این تست باید مشخص گردد چگونگی بودن یا احساس کردن است که اگر با صداقت بیان شوند؛ دیگر به خودی خود، خوب یا بد نیستند. موارد کاربرد آزمون شخصیت شانزده عاملی کتل: این آزمون برای پیش بینی رفتار واقعی فرد در شرایط معین، همچنین در نشست های مشاوره ای، بالینی، پیشرفت تحصیلی، سازمانی- صنعتی، مشاوره ازدواج، خانواده درمانی و پژوهشی کاربرد فراوانی داشته و دارد. ویژگی مهم و منحصر به فرد این آزمون شخصیتی، توانایی آن در زمینه سنجش میزان هوش به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در چگونگی پاسخ فرد به محرک های بیرونی و درونی در شرایط گوناگون افزون بر شناسایی ویژگی های

شخصیتی، است. این آزمون هم چنین برای بررسی میزان کشمکش و هماهنگی هیجانی میان همسران به کار برده شده است.

ریموند برنارد کتل Reymond Bernard Cattell در طی سه دهه با پرسش‌نامه شخصیت و مشاهده رفتار در شرایط واقعی زندگی، گسترده‌ترین مطالعه را درباره صفات شخصیت انجام داد. کتل، ساختار روانی را واحد اصلی بررسی شخصیت می‌دانست و معتقد بود که هدف نظریه شخصیت باید پیش‌بینی رفتار آدمی در شرایط و اوضاع و احوال معین باشد. محور اصلی نظریه کتل، تمایزی است که میان دو نوع صفات صوری surface traits و صفات پایه یا عمقی source trait قایل می‌شود. صفات صوری، مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری هستند که آشکار و ظاهری‌اند و دوام و ثبات آن بسیار کم است و در اثر ارتباط صفات عمقی با یکدیگر حاصل می‌شوند. صفات عمقی، منبع و سرچشمه صفات صوری و علت واقعی رفتار آدمی هستند. این صفات بادوام بوده و از نظر کتل اهمیت بیشتری دارند. زیرا به صورت عوامل و پدیده زیربنایی شخصیت عمل می‌کنند. صفات عمقی دو دسته‌اند: کتل 16 عامل یا صفت را به عنوان عوامل اصلی یا صفات عمقی شخصیت شناسایی کرد. وی برای هر یک از عوامل دو نام در نظر گرفته (به صورت صفات متضاد)، یکی برای نمره بالا و دیگری برای نمره پایین.

<https://allpsych.com/personalitiesynopsis/cattell/> ( <https://allpsych.com/personalitiesynopsis/cattell/>)

[https://en.wikipedia.org/wiki/16PF\\_Questionnaire](https://en.wikipedia.org/wiki/16PF_Questionnaire) ( [https://en.wikipedia.org/wiki/16PF\\_Questionnaire](https://en.wikipedia.org/wiki/16PF_Questionnaire))

<http://www.faraimen.com> ( <http://www.faraimen.com>)

<https://sanjeman.com> ( <https://sanjeman.com>)

اجرای آنلاین این پرسشنامه در آدرس:  
<http://brainkava.ir>